

فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران

دکتر عباس ملکی

الف- تصمیم‌گیری

۱- بررسی متون

گراهام آلیسون^(۱) تصمیم‌گیری را در سه سطح مطرح می‌نماید: در سطح اول، تصمیم‌گیرنده، انسان عقلایی کامل به شمار آمده است که در شرایطی تصمیم می‌گیرد که راه‌حلهای گوناگون و طرق عمل مختلف به دقت و صحت سنجیده و ارزیابی شده‌اند. در نتیجه تصمیم‌گیری عقلایی است و تصمیماتی اتخاذ می‌شود که حداکثر مطلوبیت را دارند و تصمیماتی هستند که ارزشهای مورد نظر را به بهترین وجه تأمین و برآورده می‌نمایند. این مدل همچنین مدل کلاسیک اقتصادی نیز به شمار می‌آید.^(۲) ولی آلیسون هشدار می‌دهد که اگرچه چنین توصیفی ما را در درک و فهم بیشتر چگونگی تصمیم‌گیری کمک می‌نماید، ولی باید توجه داشت که در اینجا از زاویه بسیار کوچک و محدودی به واقعیات نگریسته شده و در نتیجه در بعضی از موارد نیز صحیح عمل می‌نماید.^(۳)

سطح دوم تصمیم‌گیری را آلیسون از زاویه تصمیم‌گیری در سازمان و بر حسب ضوابط و معیارهای سایمون^(۴) برای تصمیم‌گیری مطرح می‌نماید. مدل سازمانی تصمیم‌گیری یک مدل توصیفی است. این مدل نشان می‌دهد که چگونه واقعاً تصمیم اتفاق می‌افتد. در این مدل فرض بر آن است که تصمیم‌گیرندگان کاملاً عقلایی عمل نمی‌کنند، بلکه در محدوده‌ای از

زمینه‌ها، ادراک از آلترناتیوها و توانایی تصمیم، عقلایی رفتار می‌نمایند. اگر اهداف در مدل عقلایی کاملاً روشن است، در اینجا، اهداف با توجه به مسیر تصمیم ممکن است تغییر نمایند. این مدل به نام عقلایی محدود نیز شناخته می‌شود.^(۵) اگرچه آلیسون نشان می‌دهد که چگونه مدل سایمون می‌تواند درک و فهم ما را از مکانیسم تصمیم‌گیری افزایش دهد، ولی در عین حال نواقص و نارسایی آن را نیز خاطر نشان می‌سازد و هشدار می‌دهد که مدل سایمون می‌تواند به پیش‌بینی‌های غلط و نادرست نیز برسد.^(۶)

در سطح سوم، تصمیم‌گیری ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد. در اینجا، تصمیم‌گیری دیگر محدود به تصمیم‌گیری در چارچوب ضوابط و معیارهای رسمی سازمان نیست. قواعد مدون و مقرر، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های فرموله شده حد و حدود تصمیم‌گیری را معین می‌نمایند و تلاش و جستجو برای یافتن راه‌حلهای مناسب تنها در امتداد و در مسیر شناخته شده قبلی صورت نمی‌گیرد. در این سطح به اعضای سازمان به دیده کسانی نگریسته می‌شود که درگیر سیاست شده و سیاستمدارند. «سیاست» به معنای معامله و داد و ستد، ولی معامله و داد و ستدی که با قواعد معین و خاصی بین افراد در سیستمی با آرایش سلسله‌مراتبی و در چارچوب کلی آن انجام می‌گیرد. علاوه بر این، میزان و ماهیت مسئولیتی که افراد به دوش می‌گیرند، در تعبیر و

تفسیر آنچه که می‌بینند و می‌شنوند و در نوع تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند، تأثیر فراوان دارد. اما اعضای سازمان علاوه بر سیاستمداری، انسان نیز هستند. بنابراین هسته مرکزی سیاستمداری بوروکراتیک را شخصیت انسانها تشکیل می‌دهد که در نتیجه، اینکه چگونه انسانی توان تحمل مسائل و مشکلات را داشته باشد، اینکه شیوه عمل هر فرد چه باشد، همه و همه اجزای تشکیل دهنده و تغییرناپذیر و تنزل‌ناپذیر آن ترکیب خاصی هستند که سیاستگذارها بر اساس آن انجام می‌شود. علاوه بر این، افراد کوله‌باری از حساسیتهای خاص و تعهدات خاص دارند که در احراز هر پست و مقامی و در ورود به هر سازمانی آن را به دوش می‌کشند. بنابراین به روشنی اهمیت، ارتباط و تأثیر عواطف و احساسات انسان، رفتار دفاعی او و رفتار رقابت‌جویانه او نشان داده شده است.

ولی خودیابان^(۷) معتقدند که حتی سطح سوم تصمیم‌گیری آلیسون نیز یک مدل جامعی از انسان ارائه نمی‌دهد و اگر بخواهیم اساس و چکیده مکانیزم تصمیم‌گیری را بهتر و کامل‌تر توصیف نماییم، لازم است که مدلی از انسان داشته باشیم که در آن متغیرهایی از قبیل شخصیت انسان، روابط بین فردی و فعل و انفعالات درون گروهی مرتبط و مؤثر در فرآیند واقعی تصمیم‌گیری مطرح و در نظر گرفته شود. چنین مدلی را خودیابان سطح چهارم تصمیم‌گیری می‌نامند و معتقدند تا زمانی که این قبیل متغیرها

را در نظر نگیریم و در مدلی جامع ننگجانیم، بعید است که به تئوری و نظریه‌هایی دست یابیم که به کمک آن قادر به تغییر جنبه‌هایی از سازمان که خواهان تغییر آنیم، بشویم.^(۸)

۲- نقش انتظارات

انسانها در تصمیم‌گیری، عکس‌العملهای متفاوت نشان می‌دهند. برخی از آنها به تفاوت‌های فردی مانند روشهای ادراکی آنان مربوط می‌شود.

بخش دیگر به انتظارات مربوط است. نقش انتظارات در تصمیم‌گیری می‌تواند به وسیله تئوری ناسازگاری ادراکی^(۹)، تئوری تعهد^(۱۰) و تئوری تأسف پیش‌بینانه^(۱۱) تشریح شود.^(۱۲)

در تئوری ناسازگاری ادراکی، لئون فستینگر تشریح می‌نماید که به رفتار پس از مرحله انتخاب باید اعتنا نمود. هر راه حلی که انتخاب می‌شود، دارای برخی جنبه‌های منفی است و راه‌حلهایی که کنار گذاشته می‌شود، هر کدام دارای جنبه‌های مثبت هم هستند. تصمیم‌گیر پس از تصمیم‌گیری به ناسازگاری ادراکی سوق داده می‌شود و احساس ناراحتی ذهنی به خاطر بازشناسی عناصر مثبت و منفی هر کدام از راه‌حلها می‌کند.

پس از تصمیم‌گیری و بیان آن توسط تصمیم‌گیر، ناسازگاری ادراکی تصمیم‌گیر توسط افزایش تفاوت محسوس در جذابیت راه‌حلها کاهش می‌یابد. این کار به وسیله اجتناب از اطلاعاتی که به ضد تصمیم اتخاذ شده و همچنین تفسیر اطلاعات ناسازگار به طریق دلخواه انجام

می‌پذیرد. به عنوان مثال، مردمانی که یک نوع به‌خصوصی از یک خودرو را خریداری نموده‌اند، ناخودآگاه به سمت خواندن و دیدن تبلیغات این خودرو کشیده می‌شوند و تبلیغات خودروهای رقیب را عمدتاً نمی‌خوانند. شیوه‌های فروشگاهی که براساس اطلاعات شادی بخش بنا شده‌اند، عموماً کاهش تأثیرات ناسازگاری ادراکی را سعی دارند تقویت نمایند.^(۱۳)

تئوری تعهد، تأثیر تصمیم‌گیری تعهد را بر روی تصمیم بیان می‌نماید. اگر فردی بداند که تصمیم او دیگر قابل برگشت نیست (یعنی او با این تصمیم یک تعهد محکمی را متعهد شده است)، زمانی که او برای اتخاذ تصمیم می‌گذارد، مطول و پروسه تصمیم‌گیری با دقت بیشتری انجام می‌پذیرد. بنابراین در صورتی که او زمان بیشتری را صرف اتخاذ تصمیم نموده و سپس آن را اعلام کرده، بنابراین این شخص از تغییر تصمیم خود آگاه دارد. در حقیقت، یک تصمیم کوچک‌تر درست در مورد یک موضوع، تصمیم‌گیر را درگیر یک تعهد بزرگ‌تر می‌نماید.^(۱۴)

تأسف پیش‌بینانه یک عکس‌العمل روانشناختی به راه‌حلهاست. تصمیم‌گیر، پشیمانیهایی را پیش‌بینی می‌کند که ممکن است پس از اتخاذ یک تصمیم معین رخ دهد. تأسف پیش‌بینانه، تصمیم‌گیر را از اینکه یک تصمیم را بدون توجه به عواقب آن بگیرد، باز می‌دارد. تأسف و حداقل نمودن بیشترین آن،

یکی از روشهای ریاضی حل مسئله تصمیم‌گیری از گذشته بوده است.^(۱۵) همچنین یکی از این تئوری می‌تواند به عنوان یک ابزار برای کم کردن پشیمانی پس از تصمیم با توجه دادن به نتایج تصمیم به کار رود. این امر باعث کاهش پیامدهای روانشناختی مسئله پس از اجرامی گردد.^(۱۶)

۳- تصمیم‌گیری تدریجی

مجموعه‌ای از مفاهیم مربوط به اقتناع و ارضاء

ما را به این رهیافت افزایشی رهنمون می‌سازد که تصمیم‌گیری در سازمان در تغییرات کوچک در محدوده سیاستها و رویه‌های فعلی محصور است. تأکید، همواره بر تصحیح و یا بهبود سیاستهای موجود و کنشهاست. میدان انتخاباتهای ما خیلی باریک است و منعکس‌کننده توافق گروههایی است که در مواضع نفوذ و قدرت قرار دارند. در حقیقت، معیار اقتناع‌کننده برای

استراتژیهای تصمیم‌گیری همانا توافق و اجماع است. این رهیافت همان است که توسط لیندبلوم در مقاله خود به نام «علم کورمال کورمال راه رفتن» در مورد آن بحث نموده است.^(۱۷) برخی از اساتید از این مدل در زبان فارسی به نام مدل تصمیم‌گیری رویشی نام برده‌اند.^(۱۸) این مدل هم در مورد حکومت صادق است و هم در مورد سازمانهای بزرگ. این موضوع ما را به یک استراتژی مستدل رهنمون می‌سازد در زمانی که اجماع برای تغییرات مورد نیاز است و تغییرات نیز نمی‌تواند بزرگ و کلی باشد. طبیعت تدریجی

تغییرات به ما می‌گوید که این استراتژی، مناسب نیست زمانی که ما به دنبال تغییرات اساسی در سیاستگذاری و فعالیتهای خود هستیم. نکته دیگر آن است که به نظر لیندبلوم، توافق درباره یک سیاست، شرط کیفیت آن است. یعنی اگر همگان بر اتخاذ یک سیاست خاص توافق کرده باشند، این توافق به معنای این است که آن سیاست، خوب و از کیفیت بالایی برخوردار است.

این فرمول که توافق معادل با کیفیت است در جوامع دموکراتیک از جذابیت خاصی برخوردار است. گاهی اوقات تحت شرایطی، رفتار تصمیم‌گیرنده کاملاً عکس آن چیزی است که مدل لیندبلوم پیش‌بینی می‌کند. گاه تصمیم‌گیرنده قدم به راهی گذارده که بریدن و برگشت از آن بسیار دشوار است، حتی موقعی که همه چیز، چنین حکم کند.^(۱۹)

اتزیونی از یک مدل تصمیم‌گیری به نام تصمیم‌گیری متواضع یاد می‌کند که در تاریخ سابقه دار است. او روش تدریجی را روشی می‌داند که بر روی تغییرات جزئی متمرکز شده و اذعان می‌دارد که بشر از داشتن همه اطلاعات در هر مورد بهتر است ناامید باشد. در عوض مناسب است که هر مقدار که از اطلاعات قابل دسترس بود را به کار ببریم. درست مانند پزشکان که هیچ‌گاه خود را همواره متعهد به اولین تشخیص خود در مورد بیماری مریض نمی‌دانند، بلکه با استفاده از روش سعی و خطا،

به بیمار پیشنهاد می‌کنند که مقدار x از دارو را در Y روز بخورد و اگر افاقه نکرد، دارو را به مقدار Z تغییر دهد. مدیران نیز می‌توانند از همین راه در تصمیم‌سازیهای خود استفاده کرده و انعطاف و تطابق خود با محیط را افزایش دهند.^(۲۰) اتریونی پیشنهاد می‌کند که سازمان یک استراتژی تلفیقی را برای تصمیم‌گیری در مواقعی که برای تصمیمات کوچک از الگوی تدریجی بهره می‌برد، اتخاذ نماید.^(۲۱) شکل الگوی تصمیم‌گیری مرحله‌ای را نشان می‌دهد.^(۲۲)

۴- تصمیم‌گیری در شرایط تنش روانشناختی
مدلهای تصمیم‌گیری که تاکنون بدانها پرداخته‌ایم، همگی (به جز تصمیم‌گیری بحرانی)

در شرایط آرام با پروسه منطقی حتی در مواقعی که به وضعیت عقلایی محدود و یا دیگر محدودیت‌های انسانی پرداختیم، پیش می‌رفت. اما تصمیماتی که انسانها و یا سازمانها می‌گیرند، با احساسات همراه است، زیرا تصمیم‌گیر امید قوی دارد که با این تصمیم به اهداف خود رسیده و یا از خطرات و پیامدهای منفی در امان بماند. بنابراین در افراد، گرایشات قوی مخالف برای عمل و عکس‌العمل وجود دارد. نتیجه به نوعی منازعه تصمیمی است که یک منبع مهم برای تنشهای روحی است. تنشهایی ناشی از منازعه تصمیمی باعث معیوب نمودن پروسه تصمیم‌گیری می‌گردد.^(۲۳)

منازعه تصمیمی در مواقعی که قرار است

۵- رقابت مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را می‌توان با نگاهی از تقاطع روانشناسی سیاسی و روابط بین‌الملل بدان نظر افکند.^(۲۴) روانشناسی سیاسی مطالعه رفتار سیاسی نخبگان را به عهده دارد. این رشته ما را راهنمایی می‌کند تا به اشخاص و افرادی که در سیاست مؤثرند، نگاه دقیق‌تری بیندازیم. همچنین با استفاده از روشهای این علم می‌توان فهم طرز تلقی عمومی را یافت و یا گرایشهای گروههای سیاسی را درک نمود.^(۲۷)

در تصمیم‌گیری مربوط به سیاست خارجی ما به رفتار نخبگان می‌پردازیم. در این مورد برخی بر نقش «نقش»^(۲۸) پای فشرده‌اند که از

این میان می توان به کارهای گراهام آلیسون در سیاستهای دیوانسالارانه اشاره نمود. برخی دیگر مانند مارگارت هرمان به رهبری سیاسی پرداخته اند.^(۲۹) برخی دیگر از اندیشمندان به فرآیند^(۳۰) توجه بیشتری نموده و تأکید ویژه ای بر اعتقادات و هنجارها داشته اند. از میان آنان می توان به هالستی^(۳۱)، و هربرت سایمون^(۳۲) اشاره داشت.

تحلیلگران سیاسی به صورت سنتی بر روی این مسئله تمرکز می نمودند که چگونه یک تصمیم گیر بر روی یک راه حل از میان تعداد متعددی از آلترناتیوها تمرکز می نماید؟^(۳۳) در همین ارتباط من سه مدل مطرح در تصمیم گیری سیاست خارجی که در سالهای اخیر بیشتر مورد بحث بوده اند را در این بخش برمی شمارم:

اولین آنها که در کارهای گراهام آلیسون مورد بحث قرار گرفته است، مدل عقلایی^(۳۴) است.^(۳۵) اولین مدل را با دو منظر نشان می دهد: پروسه سازمانی^(۳۶) و چانه زنی حکومتی^(۳۷) (و یا سیاستهای دیوانسالارانه^(۳۸)).^(۳۹) مجموعه ای از مدلهای نوع دوم تحت عنوان سایرنیتیک

عقلایی محدود به وسیله هربرت سایمون در ابتدا بررسی شد.^(۴۰) مدل نوع سوم، مدل شهودی چندوجهی^(۴۱)، روشهای مکاشفه ای را در روانشناسی شناختی را به صورت تجربی بررسی می نماید.^(۴۲)

به صورت عمومی ممکن است ما بین دو رهیافت کلی در نظامهای تصمیم گیری سیاست

خارجی تفاوت قائل شویم. اولین آنها، انتخاب عقلایی^(۴۳) است و دومین روانشناسی معرفتی^(۴۴). ما به دنبال مقایسه بین این دو و سپس رسیدن به رهیافت شهودی چندوجهی هستیم که این دو را به یکدیگر نزدیک می نماید. مدل شهودی چندوجهی، پروسه، نتیجه تصمیمات و همچنین سطوح متفاوت تحلیل (فردی، زوجی و گروهی) را شناسایی می نماید.^(۴۵) مسائلی که در

مدل شهودی دخالت دارند، عبارت اند از:

۱- بیشتر نمودن و یا ارضای مطلوبیت

۲- درگیر شدن در تحقیق همبسته^(۴۶)

۳- انجام محاسبات مشروح؛ و یا

۴- ساده نمودن محدودیتهای شهودی به وسیله تأثیرات چارچوب.^(۴۷)

برای هرچه بیشتر آشناسدن با چنین مسائلی ابتدا مناسب است که راهها و علائم راهنمایی در پروسه تصمیم گیری را بشناسیم. به نظر می رسد موارد زیر می تواند ما را کمک نماید:

۱- هیچ تصمیمی بدون پیروی از قواعد تعریف شده قابل اتخاذ نیست.

۲- قواعد و استراتژیها بر روی انتخابها تأثیر دارند. استفاده از استراتژیهای مختلف (تحلیلی، سایرنیتیک و یا شناختی) و یا استراتژیهای تلفیقی (مانند تحلیلی - سایرنیتیک) بر خروجی تصمیم تأثیر دارد.

۳- راههایی که مسئله تعریف و یا باز تعریف برای جامعه توسط رهبران سیاسی و یا مخالفان آنها می گردد، نیز ممکن است بر انتخابها تأثیر گذارد.

۴- قواعد مربوط به تجمع اولویتهای فردی به صورت افکار عمومی نیز بر انتخاب تأثیر دارد.
۵- جامعیت اطلاعاتی که در دسترس است نیز بر تصمیم مؤثر بوده و

۶- نهایتاً نظام انتخاب شده برای پروسه اطلاعات نیز بر خروجی تأثیرگذار است.^(۴۸)

مدل بازیگر عقلایی بهینه سازی را در یک فضای تعاملی جهانی این چنین تصور می نماید

که اقتصاد بازار محرک اصلی جامعه و یا سازمان دولتی است. در تئوری مطلوبیت، تصمیم گیران این چنین می پندارند که خروجی تصمیم از

انتخابهای در دسترس ناشی می گردد در همان زمان که انتخابها از خروجیها ناشی می گردد و سپس در مرحله انتخاب راه حل به نظر می رسد

که برای پیشنهاد دادن بهترین ظرفیت کار سختی در پیش داشته باشم.^(۴۹)

در زمینه مدل عقلایی و نظم و ترتیب آن مباحثات متعددی تاکنون بوده است. هر دیدگاه علمی به یک نوع نظام عقلایی را تصویر نموده است:

۱- روانشناسان معرفت شناختی بر این بخش متمرکز شده اند که چگونه رفتارهای هنجارگرا توسط افراد انتخاب می شود.

۲- جامعه شناسان بر روی ساختارهای اجتماعی، ارزشها و نرمها توجه نموده اند.

۳- مردم شناسان بحث خود را بر نظرات طرفداران نظریه های رسمی اقتصادی^(۵۰) (عقلایی) و مباحثات آنان با اقتصاد اساسی^(۵۱) (که ارزشهای

مذهبی و نقطه نظرات اجتماعی بیشتر از دستاوردهای اقتصادی و سیاسی مدنظر است)، معطوف می دارند.

۴- صاحب نظران سیاسی بر تفوق عوامل سیاسی و نهادهای سیاسی در مراحل تصمیم گیری تأکید دارند.

۵- اقتصاددانان بر پیشینه نمودن ثروت و همزمان با توجه به محدودیتهای متعدد تکیه دارند.

۶- نظریه پردازان مالی بر رفتار غیر کامل بازار و ظرفیت سود در دوران دلنگرانیهای بازار تمرکز نموده و

۷- استراتژیستهای بازار انتخابهای مصرف کننده که ما را به سوی انتخابهای رفتاری عقلایی سوق می دهد، را به عنوان بحث برمی گزینند.

مدل مطلوبیت مورد انتظار که یک مدل عقلایی رفتاری است، به وسیله روانشناسان معرفت شناسی مورد چالش قرار گرفته است.^(۵۲)

آزمایشات و همچنین نظرسنجیها نشان می دهد که مردم برای تصمیمات ساده خود از روشهایی که مدل عقلایی در اختیار آنان قرار داده است استفاده نمی کنند و به جای پیشینه نمودن مطلوبیت، مردم اکثراً به تأثیرات و نتایج تصمیمی را به عنوان چارچوب برمی گزینند. آنها به ندرت

به یک تحقیق همه جانبه و کل گرا^(۵۳) دست می زنند. مردمان عادی از محاسبات پیچیده برای تصمیم گیری احتراز می نمایند، زیرا محدودیتهای عملکرد ادراک بشری با محاسبات پیچیده ریاضی در ذهن همخوانی ندارد.^(۵۴) آیا این

محدودیتها همانهاست که در بحث مدل عقلایی محدود (۵۵) بدانها پرداخته می شود؟ توانایی انسان برای محاسبه و استنتاج محدود است، اما مدل عقلایی محدود به ندرت دقیق و موشکافانه تعریف می شود. وقتی که مدل عقلایی محدود به صورت دقیق و کامل مطرح می شود، شباهت عجیبی با رفتار هنجاری مدل‌های عقلایی دارد. (۵۶)

وقتی که بازیگران اجتماعی، در پی پیدا نمودن هزینه هر کدام از فعالیت‌های خود هستند، اولین راه حل قابل قبول را می پذیرند. بسیاری از معرفت‌شناسان، بر این عقیده اند که تئوری مطلوبیت، هنجاری و تجویزی است. بنابراین، علی‌رغم آنکه این تئوری ایده آل است، اما به صورت واقعی پروسه تصمیم‌گیری را بیان نمی‌نماید. نظریه دیگر، تئوری دورنما (۵۷) به عنوان یک بدیل برای مدل‌های عقلایی مطرح گردید. در دوران ما که دوره تخریب‌گری (۵۸) است، این موضوع در روانشناسی شناختی رایج است که انتخاب عقلایی حمله شود و بدون تردید با محدودیت‌های اطلاق‌پذیر آن موافقت گردد. معهداً، تئوری مطلوبیت مورد انتظار با چارچوب‌پذیری مسائل و توسعه و انکشاف راه‌حل‌ها تعامل نمی‌نماید. در همین رابطه، به جای انتخاب راه‌حلهایی که همه اجزای آن معلوم نیست، اما احتمالاً سودآور است، انسانها آن راهی را برمی‌گزینند که در دسترس است. این یکی از ابعاد راه حل است که تنها در روانشناسی شناختی مطرح می‌گردد.

نهایتاً، جامعه‌شناسانی همچون اتریونی (۵۹) و کولمن (۶۰) این چنین بحث می‌نمایند که عوامل فرهنگی و اجتماعی، معرفت‌های اصلی تصمیم‌گیری هستند. اتریونی می‌گوید که تصمیم تنها یک امر انفرادی نیست (مانند اختیار در برابر جبر) که بتواند مستقل از زمینه خود انجام شود. تصمیم‌گیری نیاز به توجه نمودن به شرایط فرهنگی داشته و همچنین شناسایی پیامدهای متعددی از قبیل زیر دارد:

- ۱- عوامل اجتماعی مانند پیمان‌های مابین دسته‌ها و گروهها (۶۱)
- ۲- سازمان اجتماعی (که در جامعه‌شناسی کارکردگرای (۶۲) به ساختار اجتماعی معروف است).
- ۳- تعهدات اخلاقی و ارزشهای ایدئولوژیک، و
- ۴- احساسات شخصیت‌های فردی

اضافه بر این، اتریونی عقیده دارد که افراد کارکردهای مطلوبیت چندگانه دارند، زیرا اهداف متعدد دارند و این کارکردها با یکدیگر نزدیک نیستند و گاه از حد خود فراتر می‌روند. (۶۳)

برعکس، بازیگران سیاسی در شبکه‌هایی از افراد که بعضاً با هم تداخل دارند و این افراد در اهداف مربوط به این لحظه که برای منظور خاصی در نظر گرفته شده، سهیم هستند، مشارکت دارند. منظور از دستجات، گروه‌های غیررسمی هستند که می‌آیند و در کنار ساختار نهادی حکومتی نمایان شده و می‌روند. فاکس و ببرامفیلد این دستجات را مجموعه‌ای از افراد مشخص با

اهداف چندگانه که به دنبال کنش طرفدار سازمان خود می‌باشند، می‌نامند.^(۶۴)

علی‌رغم تمامی مطالب فوق، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی به صورت کلی هم در گروه مدل‌های عقلایی و هم در گروه روانشناسی شناختی مطرح شده است. روانشناسان سیاسی گرایش به دو شاخه نمودن و سپس مطالعه نخبگان و یار رفتار سیاسی مردم دارند. به عبارت دیگر، تمرکز آنان همراه با محدودسازی زاویه دید خود به تنها بازیگران و مذاکره‌کنندگان در بالاترین سطوح سلسله مراتب سیاسی و یا توجه مکفی بر روی ترسیم طرز تلقیهای عامه مردم و خلق و خوی آنان است.^(۶۵) مردم‌شناسان به این اندیشه نگار لقب «انسان بزرگ تاریخ» را داده‌اند که در برابر قاعده کلی فرهنگ محوری^(۶۶) است.^(۶۷)

دو دسته از مدل‌های عقلایی و شناختی نمی‌توانند به تنهایی پدیده سیاست خارجی ایران و یا کشورهای دیگر را توضیح دهند. اگر با دقت نگاه کنیم متوجه می‌شویم که تصمیم‌گیران تلفیقی از استراتژیهای متعدد برای تصمیم‌گیری اتخاذ می‌نمایند. و در طول تصمیم‌گیری از یک روش به روش دیگر حرکت می‌نمایند.^(۶۸) این وضعیت قابل مقایسه با تئوری هرج و مرج و پیچیدگی^(۶۹) در علوم تجربی و اجتماعی است.

۶- تصمیم‌گیری شهودی

به صورت خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که تئوریهای تصمیم‌گیری ابتدا بخشی از اقتصاد

در اوایل قرن بیستم بودند. سپس به تدریج از سادگی و شکل ریاضی خود به واقع‌گرایی و تمرکز بر امور سیاسی معطوف گشتند. مدل‌های ریاضی برای حل مسائل تصمیم‌گیری در مواقعی نمی‌توانستند مشکلات مدیران را حل نمایند و از طرف دیگر اگر مسئله را کاملاً صحیح تعریف می‌نمودیم، معادلات به دست آمده بسیار بلند، غیرخطی و پیچیده از لحاظ منطقی می‌گشتند. از طرف دیگر، اگر می‌خواستیم که معادله ریاضی را ساده‌تر بنویسیم، این نگرانی به وجود می‌آمد که مدلی که ما از روی مشکل در جهان واقع ساخته‌ایم، تفاوت‌های اساسی با آن داشته باشد و به زبان دیگر بازگوکننده واقعیات مسئله نباشد. بنابراین پس از سالها پیشرفت در علوم تصمیم‌گیری به این نتیجه رسیدیم که مدل‌های مادر حدی پیچیده می‌شوند به حدی که قابل حل کردن نیستند و از طرف دیگر ساده‌سازی را نمی‌خواهیم که بپذیریم.^(۷۰)

بدین صورت ابتدا برنامه‌ریزی شهودی و سپس تصمیم‌گیری شهودی مطرح و سپس توسعه یافت. اصولاً واژه heuristic در صورتی که صفت باشد به معانی شهودی، مکاشفه‌ای، ذهنی، آروین آموزانه و وابسته به یادگیری عملی از راه تجربه و خطا نقل شده است. اما heuristics به عنوان اسم به معنای فرآیندهای شهودی و روشهای آروینی آمده است.^(۷۱) الگوریتم شهودی، یک راه حل نسبتاً مطلوب و با بازده و نزدیک به مسئله برای ماتم‌هیدمی نماید. اغلب نیز

این مدل به ما مطلوبیت نزدیکی به راه حل قطعی را نیز می‌گوید. از طرف دیگر نگاه به طبیعت همواره برای انسان، روشها و الگوهای آموزنده‌ای

را به همراه داشته است. در میان حیوانات، تصمیم‌گیری به صورت غریزی انجام می‌پذیرد، اما برخی از زیست‌شناسان با آزمایشات و تجربیات متعدد دریافته‌اند که نحوه تصمیم‌گیری حیوانات نیز به نوعی شهودی است.^(۷۲)

مسئله اساسی در تصمیم‌گیری توسط انسان آن است که ممکن است برای یک مشکل راه حلی ریاضی وجود داشته باشد، اما مدل ریاضی گرچه وجود دارد، اما آنچنان پیچیده است که با دانش ما دستیابی به راه حل حتی غیرممکن است. در این وضعیت به راه‌حلهای شهودی رومی آوریم. البته در گذشته نیز از این روش استفاده می‌گردید، مثلاً در حل مسائل به طریق

سیمپلکس^(۷۳) و یا الگوریتم حمل و نقل^(۷۴) ابتدا و در فاز اول می‌توان به صورت اختیاری از یک نقطه محاسبات را شروع نمود. منظور این است که در جریان امور روزمره ما همواره از روشهای شهودی استفاده می‌کنیم. مثلاً زمانی که شما قرار است که از برابر مأمور گمرک در فرودگاه بگذرید، در حالی که همه گیشه‌ها خالی است، اما شما به سمت مأموری از گمرک می‌روید که لبخندی به لب دارد و یادربانک به سوی باجه‌ای می‌روید که تعداد کمتری در آنجا منتظر هستند. می‌توان نتیجه گرفت که روشهای شهودی با بازدهی سروکار دارند.

یعنی راه حلی را برمی‌گزینید که سریعاً شما را به یک نتیجه خوب می‌رساند، اگرچه این راه حل بهترین نیست.

در مسائل تصمیم‌گیری ما با بهینه‌سازی همبسته^(۷۵) نیز روبرویم. بهینه‌سازی همبسته می‌گوید که همواره تعداد محدود راه حل عملی وجود دارد که اگر یک به یک این راه‌حلهای بررسی گردد، بهترین آنها مشخص خواهد شد. ولی در عمل، تعداد محدود و متنه‌ای راه‌حلهای ممکن است میلیونها و یا میلیاردها امکان باشد که حتی سریع‌ترین کامپیوترها نیز نمی‌توانند همه آنها را یک به یک برشمارند. به خصوص زمانی که مسائل به صورت عدد صحیح صفر و یک که کامپیوتر می‌تواند آنها را بخواند باز می‌گردند، بررسی تمام گزینه‌ها بسیار گران تمام می‌شوند.^(۷۶)

یکی دیگر از منافع روشهای شهودی در مواقعی است که در سازمان با تنازع اهداف روبرویم. به عنوان مثال، یک مدیر در عین حال که می‌خواهد سود خود را بالا ببرد، در همان زمان مایل نیست که به خاطر گران فروختن، مشتریان خود را از دست بدهد و یا یک مدیر با بودجه مشخص در عین حال که مایل است در بخش تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری نماید، در همان زمان مایل است که مواد اولیه برای ماه آینده خریداری نماید. برنامه‌ریزی هدف^(۷۷) با چنین مشکلاتی مواجه می‌شود. در برنامه‌ریزی هدف بخش اعظم کار به وسیله روشهای

شهودی و نزدیک به آن انجام می‌شود.^(۷۸) امروزه تصمیم‌گیران می‌دانند که این پروسه یک مسیر سیاسی است که توازن ما بین عوامل را باید در نظر داشت. همچنین نباید فراموش نمود که محدودیت اطلاعات و زمان نیز وجود دارد. همچنین یک تصمیم‌گیر می‌داند که در رهیافت خود باید انتخابگر باشد، یعنی برخی از مسیرها را آگاهانه کنار بگذارد و برخی دیگر را انتخاب نماید.^(۷۹)

همان‌طور که در گذشته ذکر گردید، طرفداران مدل رفتاری معتقد بودند که انسان در حالت تصمیم‌گیری، دارای اطلاعات کامل و وقوف همه جانبه به کل مسائل نیست و بنابراین در یک حالت غیرشفاف، از طریق تجربه و خطا و کورمال تصمیم می‌گیرد.^(۸۰) به نظر می‌رسد که تصمیم‌گیری شهودی نوعی تصمیم‌گیری رفتاری است.^(۸۱) چرا که، سایمون معتقد است که اکثر استراتژیهای اقناع تصمیم‌گیر برای حل مسئله بر مبنای شهودی و براساس مکاشفه به جای قواعد مشخص تصمیم‌گیری هستند.^(۸۲) بنابراین مدل تصمیم‌نایب به تصمیم‌گیر تحمیل شود، بلکه مناسب‌تر است که به تصمیم‌گیر اجازه داده شود که پس از جمع‌آوری اطلاعات مناسب، خود به صورت تجربه و خطا و یا مکاشفه‌ای راه‌حلی را حدس بزند.^(۸۳) نکته دیگر آن است که به‌طور خلاصه می‌توان گفت که تصمیم‌گیری کلاً یک پروسه سیاسی است که نیاز مفرط به اطلاعات دارد. بنابراین مسائلی

از قبیل مذاکره و چانه‌زنی در آن از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین باید اضافه نمود که هر اطلاعاتی برای شخص تصمیم‌گیر درگیر در چنین پروسه‌ای مناسب نیست. بسته به طبیعت و اهمیت اهداف تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیرنده ممکن است به صورت منظم به دنبال تحقیق برای یک دسته از اطلاعات باشد، در حالی که همزمان برخی دیگر از اطلاعات را سعی می‌نماید که نادیده انگارد.^(۸۴)

۷- عدم قطعیت در سیاست خارجی

سیاست خارجی هر کشور ترکیبی از اهداف که از منافع ملی ناشی شده‌اند و وسایلی که از قدرت ملی توانایی گرفته‌اند، می‌باشد. و از آنجا که منافع ملی و قدرت ملی در عین تعاریف متعددی که از آنان داده شده است، مفاهیم مبهمی هستند، سیاست خارجی که ترکیبی از این دو است، دستخوش ابهام و عدم قطعیت بیشتری خواهد بود.^(۸۵) بحث خود را با تعریف مرسوم از سیاست خارجی ادامه می‌دهیم. «اساسی‌ترین مؤلفه‌های سیاست خارجی عبارت‌اند از: اهداف ملی مورد تعقیب و وسایلی نیل به آنها. تعامل اهداف ملی و منابع نیل بدانها مضمون همیشگی کشورداری را تشکیل می‌دهد. مؤلفه‌های سیاست خارجی را برای کلیه کشورها، اعم از کوچک و بزرگ، یکسان است.»^(۸۶) این تعریف سیاست خارجی را براساس اهداف و وسایلی موجود برای تحقق

آنها تعریف کرده و آن دسته از اقدامات و عواقب نهایی آنها را که ممکن است با مقاصد بیان شده کشورها مربوط یا نامربوط باشد، نادیده می‌گیرد. مضمون دقیق سیاست خارجی همچنان مورد بحث علمای علم سیاست و روابط بین‌الملل است.

۸- قدرت ملی و سیاست خارجی

در این میان، علمای روابط بین‌الملل بر این عقیده‌اند که سیاست خارجی هر کشور مستقیماً با عناصر قدرت ملی آن کشور در ارتباط است. می‌توان برای تعیین قدرت ملی یک کشور میان دو دسته از عوامل تفکیک قائل شد: عوامل نسبتاً باثبات و عواملی که همواره دستخوش دگرگونی هستند. جغرافیایه و وضوح باثبات‌ترین عاملی است که شالوده قدرت ملی را تشکیل می‌دهد.^(۸۷) همچنان رودها، دریاها، اقیانوسها، دره‌ها، دشتهای و کوهها مهم‌ترین صحنه‌های ترجمه سیاستها و استراتژیهای طراحی شده می‌باشند. تفاوت کشورها در ارتباط با قدرت آنان مانند تفاوت آنان در شکل و اندازه کشورشان است. منابع طبیعی نیز یکی دیگر از عوامل باثبات در میزان قدرت یک ملت نسبت به ملل دیگر است. مواد غذایی، مواد خام و از جمله منابع مدنی خصوصاً نفت و گاز از جمله مظاهر توان یک کشور به شمار می‌روند. قدرت صنعتی و یا تکنولوژیک در زمینه‌هایی مانند صنعت، حمل و نقل، ارتباطات و یا کشاورزی

خود می‌تواند گویای قدرت یک کشور باشد. آمادگی نظامی مستقیماً با قدرت یک کشور در رابطه است و در ذیل آمادگی نظامی می‌توان به عواملی همچون تکنولوژی نظامی، رهبری، کمیت و کیفیت نیروهای مسلح پرداخت. جمعیت یک کشور نیز نمادی از قدرت ملی آن کشور می‌تواند باشد و البته این موضوع الزامی نیست. شاید از خود جمعیت، توزیع جمعیت و روند رشد جمعیت مهم‌تر باشد. در میان عوامل کیفی مربوط به قدرت ملی می‌توان از منش ملی،^(۸۸) روحیه ملی،^(۸۹) کیفیت حکومت و جامعه و کیفیت دیپلماسی نام برد. شاید بتوان گفت که دیپلماسی مغز متفکر قدرت ملی است. همان‌گونه که روحیه ملی روح آن است. اگر قدرت دید آن کاهش پیدا کند، قدرت داوری آن دچار اشکال شود، و اراده آن تضعیف گردد، همه امتیازات ناشی از موقعیت جغرافیایی، خودکفایی در مواد غذایی، مواد خام، تولید صنعتی، آمادگی نظامی، تعداد و ویژگیهای جمعیتی در دراز مدت چندان به کار ملت نخواهند آمد. ملتی که بتواند به داشتن همه این امتیازات ببالد، اما دیپلماسی مناسب با آنها را نداشته باشد، ممکن است از طریق وزنه خالص سرمایه طبیعی اش به موفقیت‌های موقت نائل شود. اما در درازمدت با به کار انداختن ناقص، ناپیوسته و مسرفانه این سرمایه طبیعی در راه اهداف بین‌المللی ملت، آن را برباد خواهد داد.^(۹۰)

۹- متغیرهای مؤثر در سیاست خارجی

می‌توان متغیرهای مؤثر بر سیاست خارجی را به ۵ گروه تقسیم نمود:

- **متغیرهای فردی:** این متغیرها به برداشتها، تصورات و ویژگیهای تصمیم‌گیران مربوط می‌شود. احتیاط در مقابل بی‌ملاحظگی، عصبانیت در مقابل دوران‌دیشی، عمل‌گرایی در مقابل آرمان‌گرایی، احساس برتری در مقابل احساس حقارت و... این گونه متغیرها بر سیاست خارجی و تصمیم‌گیری در آن تأثیر بسیاری دارد. زیرا این یک انسان است که می‌باید در یک لحظه بحرانی تصمیم بگیرد و

مسائل کوچک مانند این که سیاستمدار امروز صبح قبل از آمدن به وزارت خارجه آیا با همسرش بگو مگو داشته یا خیر در تصمیمات آن روز سیاستمدار تأثیر بسزایی دارد.

- **متغیرهای نقش‌گرایانه:** این متغیرها معمولاً به عنوان شرح مشاغل یا قواعد رفتاری مورد انتظار از مقامات تعریف می‌شود. منظور از مقامات افرادی مانند رئیس‌جمهور، وزراء، مقامات اداری عالی‌رتبه، نمایندگان مجلس و نخبگان دیگری است که در سیاست خارجی دخالت دارند. صرف نظر از شخصیت روانی یک فرد، وقتی وی نقش خاصی را به عهده می‌گیرد، رفتار وی براساس انتظاراتی که مردم از آن نقش دارند، به‌طور قابل توجهی تغییر می‌یابد.

- **متغیرهای دیوانسالارانه:** این متغیرها به ساختار و فرآیندهای یک حکومت و تأثیر آنها بر

سیاست خارجی مربوط می‌شوند. بوروکراسی در هر کشوری دارای یک روند پیچیده می‌باشد. اکثر تصمیم‌گیرها در سیاست خارجی به نوعی منعکس‌کننده منافع متعارض ادارات مختلف دولتی، دستگاههای نظامی و دوائر وابسته بدانهاست. رفتار دولت آمریکا در جریان خلیج خوکها و مذاکرات شورای امنیت ملی آمریکا نشان می‌دهد که هر کدام از مراکز دولتی مانند وزارت خارجه، سازمان مرکزی اطلاعات، وزارت دفاع و... آن‌طرحی را پیشنهاد می‌کردند که منافع مرکز و یا اداره خود را حداکثر می‌ساخت. (۹۱)

- **متغیرهای ملی:** منظور از متغیرهای ملی، متغیرهای زیست‌محیطی نظیر وسعت، موقعیت جغرافیایی، عوارض زمینی، آب و هوا و منابع طبیعی کشورهاست. برای مثال، یک کشور قاره‌ای که از مرزهای آسیب‌پذیر و موقعیتی استراتژیک برخوردار است، احتمالاً یک استراتژی تهاجمی در پیش گرفته و یا حمایت کشور قدرتمندتر و متحرک‌تری را به خود جلب خواهد کرد. منظور از متغیرهای ملی کلاً همان عواملی است که قبلاً تحت عنوان عوامل به‌وجودآورنده قدرت ملی از آنها بحث کردیم. عامل اقتصاد در این میان از اهمیت بیشتری برخوردار است. مراحل مختلف توسعه اقتصادی اعم از داخلی و خارجی می‌تواند تبیین‌کننده درجات متفاوت و مختلف استقلال سیاست خارجی باشد. (۹۲)

- **متغیرهای نظام گرایانه:** منظور آن دسته از متغیرهایی است که نسبت به کشور مورد مطالعه، خارجی محسوب می‌گردند. برای نمونه، ساختار و فرآیندهای کل نظام بین‌الملل را می‌توان در این مقوله قرار داد. نظام نوین بین‌المللی، توازن قدرت، نظام تک‌قطبی یا چندقطبی هرکدام به صورتی بر سیاست خارجی کشورها تأثیر خواهند داشت.^(۹۳) مثلاً سیاست خارجی ایران در سیستم دوقطبی بدون تردید با سیاست خارجی این کشور در دوره پس از فروپاشی شوروی متفاوت خواهد بود. این متغیرها تصمیم‌گیری در کشورهای کوچک را بیشتر تحت تأثیر قرار خواهد داد تا کشورهای قوی و بزرگ.

۱۰- اشکال تصمیم در سیاست خارجی
برخی از صاحب نظران، تصمیمات سیاست خارجی را به سه بخش عمده تقسیم می‌نمایند:
- **تصمیمات برنامه‌ریزی شده**^(۹۴): تصمیمات عمده‌ای که از عواقب بلند مدتی برخوردار بوده و به دنبال مطالعه، تأمل و ارزشیابی مفصل کلیه گزینه‌ها اتخاذ می‌شود.

- **تصمیمات بحرانی:** تصمیماتی که در ادواری اتخاذ می‌شوند که تهدید شدیدی پیش آمده، زمان پاسخگویی محدود بوده و میزانی از غافلگیری وجود دارد که به خاطر عدم وجود پاسخهایی از پیش برنامه‌ریزی شده، ارائه پاسخی اختصاصی را می‌طلبد.

- **تصمیمات تاکتیکی:** تصمیمات مهمی که معمولاً از تصمیمات برنامه‌ریزی شده مشتق شده و می‌توانند مورد ارزشیابی مجدد، تجدیدنظر، لغو و ابطال قرار گیرند.^(۹۵)

نوع دیگری از اشکال تصمیم در سیاست خارجی را می‌توان در شناسایی بعد مرحله و یا ترتیب^(۹۶) نگاه افکند. از این بعد، تصمیمات به دو گروه اساسی و تبعی تقسیم می‌شوند. تصمیم اساسی^(۹۷) به تصمیمی گفته می‌شود که به انتخاب اهداف جدید معطوف گردد. چنین تصمیماتی ممکن است سبب ایجاد خط مشی جدید و تغییر یا اصلاح سیاست قبلی گردند و یا واکنشی به یک موقعیت نوین در محیط باشند. اتخاذ این گونه تصمیمات انحصاراً در اختیار رهبران جامعه است. نوع دوم، تصمیمات تبعی^(۹۸) است. تصمیمات اساسی، زمینه را برای تصمیمات تبعی فراهم می‌کند. این گونه تصمیمها خود ناشی از تصمیمهای اساسی هستند. این گونه کارها عمدتاً در اختیار تکنوکراتها و یا مقامات وزارت امور خارجه است.

نوع دیگری از تقسیم‌بندی تصمیمات به منشاء تصمیم باز می‌گردد. منشاء پویا و متحرک خود سه نوع تصمیم‌گیری را اقناع می‌نماید. اولین آنها، تصمیمات ابتکاری و یا ابداعی^(۹۹) هستند. این گونه تصمیمها سبب ایجاد واکنش و رفتارهایی در نظام بین‌المللی گردیده و در سیستم بین‌الملل جنبش و تحرک به وجود

می آورند، گرچه از فرآیندهای داخلی سرچشمه می گیرند. عقلانیت و انتخاب منطقی - تحلیلی در تصمیمات ابداعی بیش از سایر تصمیمات احتمال وقوع دارد. دومین نوع، تصمیمات واکنشی^(۱۰۰) است. این نوع، به منظور واکنش نسبت به وقایع خارج از کشور اتخاذ می گردد. نوع سوم تصمیمات تکراری است. منظور آن است که تصمیم گیرندگان، با ملاحظه مجدد آلترناتیوها، تصمیمات قبلی را تکرار نمایند.^(۱۰۱)

اما آنچه که در نظام ایران متفاوت است، ماهیت مذهبی آن است. ۸۶ نفر از علمای اسلامی توسط مردم به عنوان اعضای مجلس خبرگان به مدت ۸ سال انتخاب می شوند. سپس این نهاد، رهبر عالی انقلاب اسلامی را انتخاب کرده و در طول دوره نسبت به عملکرد او نظارت می نمایند. رهبر انقلاب رئیس قوه قضائیه را منصوب می نماید که کلیه دادگاههای عمومی، انقلاب و نظامی را زیر نظر دارد. رهبری علاوه بر این فرماندهی نیروهای مسلح را نیز به عهده دارد. شورای نگهبان، نهادی است که مسئولیت انطباق مصوبات مجلس را با قوانین اسلامی داراست. این نهاد همچنین تفسیر قانون اساسی را به عهده داشته و نظارت بر حسن انجام انتخابات ریاست جمهوری، پارلمان و مجلس خبرگان به عهده اوست.

مجمع تشخیص مصلحت نظام در پس از تغییراتی که در قانون اساسی در سال ۱۳۶۷ به وجود آمد، تأسیس شد. همه ۳۸ عضو این شورا، از تفکرات سیاسی مختلف، احزاب و جمعیتهای متفاوت^(۱۰۲) توسط رهبری منصوب می گردند.^(۱۰۳) مسئولیتهای مجمع تشخیص

می آورند، گرچه از فرآیندهای داخلی سرچشمه می گیرند. عقلانیت و انتخاب منطقی - تحلیلی در تصمیمات ابداعی بیش از سایر تصمیمات احتمال وقوع دارد. دومین نوع، تصمیمات واکنشی^(۱۰۰) است. این نوع، به منظور واکنش نسبت به وقایع خارج از کشور اتخاذ می گردد. نوع سوم تصمیمات تکراری است. منظور آن است که تصمیم گیرندگان، با ملاحظه مجدد آلترناتیوها، تصمیمات قبلی را تکرار نمایند.^(۱۰۱)

ب- ایران

۱۱- ساختار سیاسی ایران

طبیعت عمومی ساختار قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران روشن و مانند اکثر کشورهاست اما دارای ظرافتها و پیچیدگیهایی است که بیشتر باید بدانها توجه نمود. از یک سو، فلسفه حکومت در ایران با دیگر کشورها مشترک است. قدرت حکومتی در ایران به سه بخش تقسیم شده و قوای مقننه، مجریه و قضائیه وجود دارند. از سوی دیگر، پروسه سیاسی در ایران دارای ساختار و سلسله مراتب خاص خود است که این مقاله سعی می کند گوشه ای از آن را منعکس نماید.

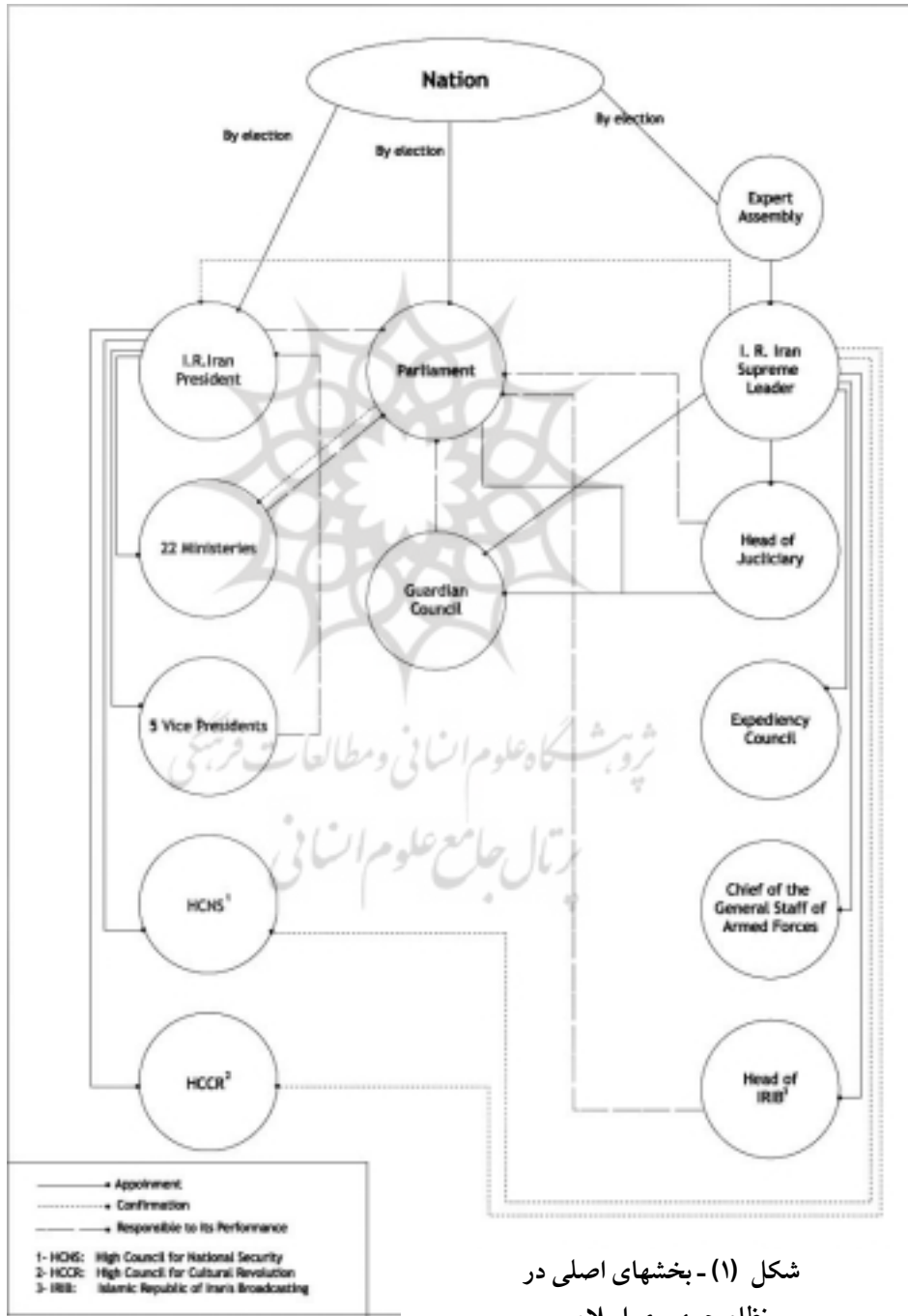
در نظام دموکراسی پارلمانی در ایران، ۲۹۰ نماینده مجلس برای چهار سال به وسیله مردم برگزیده می شوند. رئیس جمهور توسط مردم برای چهار سال انتخاب می شود که حداکثر دوبار یک شخص به صورت متوالی می تواند

مصلحت عبارت است از پیدا کردن راههایی برای رفع بن بست مابین پارلمان و شورای نگهبان در صورت لزوم، مشاوره دادن به رهبری و پیشنهاد نمودن خطوط کلی سیاستهای نظام جمهوری اسلامی.

شورای عالی امنیت ملی نیز در پس از بازنگری در قانون اساسی به وجود آمد. رئیس جمهور، ریاست شورای عالی را به عهده داشته و این شورا تلفیقی از نهادهای استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است. دونماینده از طرف مقام معظم رهبری، رؤسای سه قوه (رئیس جمهور، رئیس مجلس و رئیس قوه قضاییه)، وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات و دفاع، فرماندهان نیروهای مسلح مانند ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعضای این شورا هستند. شورای عالی، سیاست خارجی، سیاست دفاعی و سیاستهای امنیتی نظام را تدوین می نماید. مصوبات شورا پس از تأیید رهبری قابل اجراست. نمودار (۱)، ارکان اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران را نشان می دهد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی، صحنه برخورد و تعامل واقع گرایی و آرمانگرایی است. از یک سو، انقلاب اسلامی، یک انقلاب ایدئولوژیک بوده و الزامات و اهداف مکتبی خود را به دنبال دارد و از سوی دیگر ایران کشوری است همچون دیگر ملت - کشورها (۱۰۴) با محدودیتهای فرصتهای خاص خود. آیا این دو با یکدیگر در تنازع دائمی هستند؟ و یا

می توان آنها را در کنار هم داشت؟ «مقصد یک سیاست خارجی متکی بر ایدئولوژی، تأثیرگذاری بر محیط و در نهایت، تغییر آن مطابق آمال خویش است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، علی رغم جوانی و کم تجربگی، به واسطه اصول انقلاب، اهداف عظیم و الایی را در عرصه ای به وسعت سراسر جهان پیش روی خود دارد» (۱۰۵) در مقابل، سیاست واقع گرا، جولانگاه عینیات و محاسبات مادی است. ملاحظیات و مقدرات بر آن حاکم است. شکست و پیروزی، دو واژه پررنگ و تالوژیی است که از یکی پرهیز و به سوی دیگری گام برداشته می شود. فضیلت، واژه غیرقابل فهمی است که در اهداف سیاست واقع گرا راه نمی یابد. (۱۰۶) در این نوشته به لحاظ توجه به موضوع دیگری در سیاست خارجی ایران که همانا تصمیم گیری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، فرض می کنیم که یک نظام متکی بر ایدئولوژی، چاره ای جز تلفیق واقع گرایی و آرمانخواهی ندارد تا علاوه بر حفظ و پیشرفت خود، در مسیر تحقق خواستههای نهایی آرمانهایش نیز کوشش کند و چنان که گفته شد، لاجرم این کوشش در محدوده توان و مقدرات نظام برای تضمین ادامه حیات آینده آن صورت می گیرد. در عین حال برخی از اندیشمندان بر این عقیده اند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به تدریج عقلایی تر و در عین حال با تئوریهای روابط بین الملل



شکل (۱) - بخشهای اصلی در نظام جمهوری اسلامی

نزدیک‌تر می‌شود. (۱۰۷)

ایران به کشورهای مزبور دارد. در آسیای مرکزی، ایران به صورت کلی مایل به انکشاف روابط از طریق سیاستهای چندجانبه است. مورد مشخص آن تشویق کشورهای این منطقه به پیوستن به سازمان همکاریهای اقتصادی (اگو) است. در همین زمینه می‌توان گفت که در حالی که محرک ایران برای همکاریهای خود با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز همچنان اقتصادی است، (۱۰۸) در جنوب، دلیل اصلی همکاریهای ایران در خلیج فارس، محرکهای امنیتی ناشی از حضور سربازان آمریکایی در منطقه می‌باشد.

۱- همسایگان ایران

۲- کشورهای مسلمان

۳- کشورهای جهان سوم و

۴- کشورهایی که به نوعی یکی از نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا نظامی ایران را برطرف سازند.

اگر نگاهی به موقعیت جغرافیایی ایران بیفکنیم، متوجه خواهیم شد که ایران واسطه‌ای مابین دو منطقه مشحون از انرژی در جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر است. در محیط پس از جنگ سرد، ایران به صورت یک قدرت منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی پدیدار گشت و در حالی که از لحاظ ژئواستراتژیک اهمیت خود را افزایش داد، در دو منطقه بزرگ‌تر یعنی خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز نفوذ خود را افزایش داد. در هر منطقه، سیاستهای ایران مشخص‌کننده نیازهای اقتصادی و امنیتی ایران بود. و به همین دلیل سیاستهای ایران گاه در بخش دوجانبه با کشورهای مناطق موصوف با سیاستهای چندجانبه ایران در همان مناطق همپوشانی داشت. در جنوب روابط جدید ایران با عربستان سعودی، قطر و اخیراً امارات عربی متحده نشان از نگرش جدید سیاست خارجی

۱۲- سیاست خارجی ایران و قدرت ملی

موقعیت ایران در ارتباط با عوامل فوق‌الذکر همگی نشان از قدرت و موقعیت خاص این کشور می‌دهد.

-ایدئولوژی: اسلام به عنوان عقیده کامل و جامع حاکم بر اندیشه و کارکرد نظام جمهوری اسلامی، شبکه ارزشی نظام را شکل می‌دهد. مشروعیت نظام از دین حنیف سرچشمه گرفته و اقتدار حکومت که خمیرمایه ارتباط قدرت و سیستم ارزشی است از اسلام نشأت می‌گیرد. توسعه و گسترش مشارکت واقعی مردم، تقویت روحیه ملی، یکپارچگی مابین ملت ایران با وجود تفاوت‌های فرهنگی، نژادی و قومی از پیامدهای وجود یک مکتب فکری جامع در حکومت است.

- **عوامل جغرافیایی:** ایران به لحاظ وسعت، شکل، مرزها، و وضعیت اقلیمی کشوری منحصر به فرد است. این کشور با ۱۵ همسایه مرز آبی و خاکی داشته و پل ارتباطی بین چهار منطقه شرق مدیترانه، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز، و شبه قاره هند می باشد.

- **عوامل اجتماعی - انسانی:** از جمله این عوامل میزان جمعیت است که با داشتن ۶۵ میلیون نفر با نرخ رشد مناسب از بزرگترین کشورهای غرب آسیا و خاورمیانه می باشد. دیگر عامل

ویژگیهای ملی و روحیه مردم است. طرز تفکر، خلق و خوی و طرز عمل ایرانیان همواره از برتری کیفی نسبت به دیگر مردمان خبر داده است. روحیه مردم ایران در دشمن ستیزی و حفظ منافع ملی ایران باعث گردید که ایران از جنگ با عراق سربلند بیرون آید.

- **عوامل سیاسی:** ساختار حکومتی، شیوه های تصمیم گیری و سیاستگذاری در کشور به گونه ای است که می توان از آنها به عنوان منابع قدرت یاد کرد. نقش رهبری در مدیریت دیپلماسی و ارائه اهداف و خط مشیهای اقتصادی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی پوشیده نیست. دولت جمهوری اسلامی ایران دارای ساختار نسبتاً کارآمد و مناسب برای جهت گیری و اعمال سیاست خارجی منسجم است. وجود مراکز و نهادهایی مانند رهبری، ریاست جمهوری، شورای عالی امنیت ملی، مجلس شورای اسلامی و وزارت امور خارجه به کشور این امکان را

داده است که خط مشی سیاست خارجی خود را با عنایت به رسالت انقلاب اسلامی، اصول و اهداف نظام، به گونه ای انتخاب نماید که با توجه به تواناییهای کشور، حداکثر شانس موفقیت را داشته باشد. اعتبار بین المللی کشور نیز به گونه ای است که می توان گفت با معیارهای کنونی جهانی یعنی توسعه صنعتی، پیشرفت علمی، بالا بودن سطح زندگی و رعایت موازین اخلاق اجتماعی، کشور در سطح مناسبی قرار دارد.

- **عوامل اقتصادی:** امکانات اقتصادی هر کشور از معیارهای عمده قدرت ملی به شمار می رود. نگاهی به شاخصهای اقتصادی همچون تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، کمیت و کیفیت تولیدات صنعتی و کشاورزی و دسترسی به منابع نشان می دهند که همه عوامل برای ساختن ایرانی آباد، پیشرفته و قوی فراهم است.

- **عوامل نظامی:** آنچه که به عناصر جغرافیایی، منابع طبیعی و قابلیت صنعتی اهمیت واقعی می بخشد، آمادگی نظامی است. قدرت ملی هر کشور بستگی مستقیم با وضعیت، توان و آمادگی نیروهای مسلح دارد. جمهوری اسلامی ایران با در اختیار داشتن نیروهای مسلح قوی و همچنین حمایت مردمی در قالب تشکل بسیج به نوعی سازماندهی شده است که دشمنان نتوانند چشم طمع به خاک ایران داشته باشند. (۱۰۹) همچنین ایران از لحاظ سه عامل مهم در بخش نظامی یعنی برخورداری از نیروی نظامی

نیرومند و بزرگ، برخورداری از تأسیسات، صنایع و تکنولوژی پیشرفته نظامی و برخورداری از روحیه قوی و تجربه کافی و انگیزه برای جنگیدن از موقعیت مناسبی برخوردار است.^(۱۱۰)

- طرد کامل استعمار^(۱۲۰) و جلوگیری از نفوذ اجانب^(۱۲۱) و حفظ تمامیت ارضی^(۱۲۲) و نیز نفی و اجتناب از پیمانهای که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصاد کشور،^(۱۲۳) فرهنگ و ارتش گردد.^(۱۲۴)

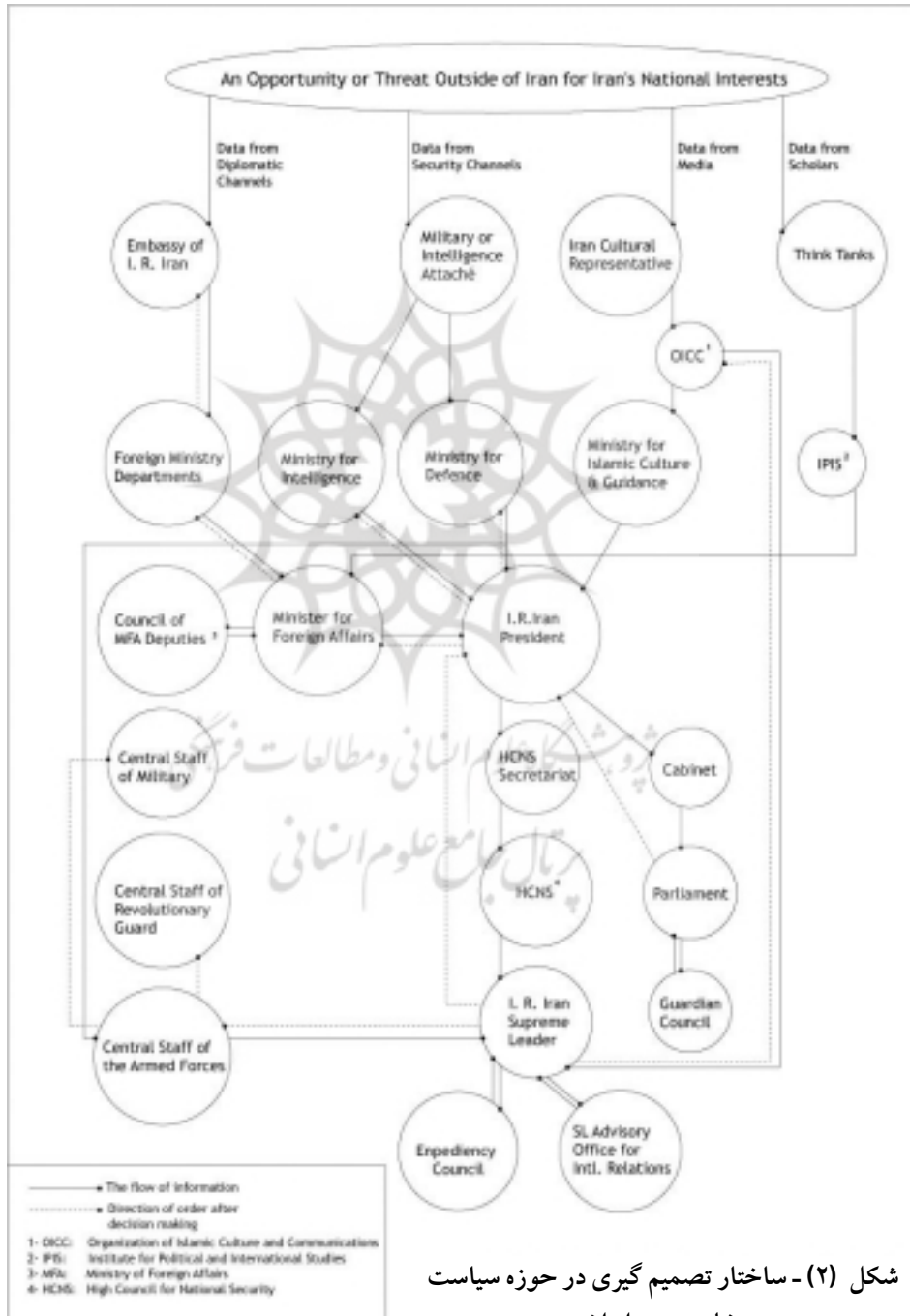
۱۳- اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین منبع و مأخذ برای شناخت اهداف سیاست خارجی ایران، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که با توجه به آنچه که در مقدمه و اصول آن آمده است، می‌توان اهداف نظام و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را که بر اساس اصول و ضوابط اسلامی تدوین شده است بشناسیم. مجموع اهداف سیاست خارجی ایران با بررسی قانون اساسی موارد زیر است:

- سعادت انسان در کل جامعه بشری^(۱۱۱)
- استقلال کشور^(۱۱۲)
- ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی و طرد نظام سلطه در جهان و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین^(۱۱۳)
- تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان،^(۱۱۴) ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام^(۱۱۵) و نیز دفاع از حقوق مسلمانان جهان.^(۱۱۶)
- نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی^(۱۱۷) و نفی هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری^(۱۱۸) و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر^(۱۱۹)

۱۴- ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران گروههای سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی وجود دارند که در اعمال سیاستهای متخذه ارگانهای رسمی ذی نفوذ بوده و عکس‌العمل نشان می‌دهند. از جمله می‌توان از بیوت آیات عظام، ائمه جمعه، احزاب سیاسی، جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نهادهای انقلابی، رسانه‌ها و از جمله مطبوعات را نام برد. اما تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دارای سلسله مراتب و نظام معینی است. بر طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، جمهوری اسلامی دارای سیستم حکومتی بر پایه تفکیک قواست. تدوین سیاست خارجی در ایران و اجرای آن عمدتاً در حوزه اختیارات رهبری، قوه مقننه و قوه مجریه است که هر کدام دارای اختیارات محدود در این زمینه می‌باشند. نمودار (۲) روابط این نهادها با یکدیگر را نشان می‌دهد.



شکل (۲) - ساختار تصمیم گیری در حوزه سیاست خارجی در ایران

- **مقام رهبری:** بخش مهمی از تصمیمات سیاست خارجی به طور مستقیم و یا غیرمستقیم برعهده رهبری می‌باشد. مطابق این اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاستهای کلی نظام، اختیار اعلام جنگ و صلح با رهبری است. از

طرف دیگر، کلیه مصوبات شورای عالی امنیت ملی که بخش مهمی از آنها در ارتباط با سیاست خارجی است، می‌باید به تأیید رهبری رسیده و رهبر دارای اختیار برای نصب دو نفر در شورای مزبور را دارد.

- **ریاست جمهوری:** رئیس جمهور براساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی، مسئولیت اجرای قانون و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را برعهده دارد. در ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، رئیس جمهور با تعیین و معرفی وزیر امور خارجه، با انتخاب سفرا و نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و پذیرش سفرای خارجی مقیم تهران، در امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دول و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی ذی‌مدخل است.

- **هیئت دولت:** سیاست کلی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی به صورت مصوبات و با دستورالعملهای رهبری از طریق هیئت وزیران و با توجه به مسئولیتهای هر یک از وزارتخانه‌ها

به مرحله اجرا در می‌آید. در ابتدای هر سال دولت برنامه سالانه خود را به مجلس ارائه داده

و مجلس با تصویب برنامه و اختصاص بودجه نقش مهمی در اجرای سیاست خارجی دارد. برقراری و یا قطع روابط دیپلماتیک و همچنین کاهش و گسترش روابط با کشورهای دیگر نیز از جمله اختیارات قوه مجریه است.

- **مجلس شورای اسلامی:** عالی‌ترین نهاد قانونگذاری کشور بوده و در عموم مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی و با رعایت موازین شرع و اصول قانون اساسی می‌تواند وضع قانون نماید. مجلس شورای اسلامی از طریق تصویب کلیه عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در سیاست خارجی دخالت می‌نماید. همچنین هر گونه تغییر جزئی در خطوط مرزی، ارجاع به داوری، دریافت و یا اعطای وام و استخدام کارشناسان خارجی به عهده مجلس شورای اسلامی است.

- **شورای عالی امنیت ملی:** اصل ۱۷۶ قانون اساسی، وظایف شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور را تعیین سیاستهای دفاعی-امنیتی کشور، هماهنگ نمودن فعالیتهای سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی می‌داند. بخش عمده‌ای از وظایف شورای عالی امنیت ملی در محدوده روابط خارجی کشور می‌باشد.

- **شورای نگهبان:** این شورا نیز با اختیاراتی که اصول ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی در تأیید نهایی

مصوبات مجلس شورای اسلامی به آن داده، مسئولیت تطبیق قوانین مصوبه مجلس را با قانون اساسی و شرع دارد و می‌تواند در کنترل سیاست خارجی نقش ایفا نماید.^(۱۲۶)

- مجمع تشخیص مصلحت نظام: این مجمع گرچه به عنوان بازوی مشورتی رهبری شناخته شده است، اما در تدوین سیاستهای کلی نظام و همچنین اظهارنظر در مواردی که اختلاف نظر مابین مجلس و شورای نگهبان رفع نمی‌شود، اهمیت دارد.

- قوه قضائیه: هر چند که قوه قضائیه مستقیماً در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران دخیل نیست، اما در دو بخش حضور این قوه پررنگ می‌شود. اول موارد مربوط به تحولات قضایی کشور و الزام وزارت امور خارجه به پاسخگویی در برابر نهادهای حقوق بشری مانند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و یا کمیته حقوق بشر مستقر در ژنو است. دوم قوه قضائیه با داشتن دو بازوی نظارتی یعنی دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور بر فعالیتهای وزارت امور خارجه نظارت می‌نماید.^(۱۲۷)

- وزارت امور خارجه: گرچه مطابق قانون اساسی و قانون شرح وظایف وزارت امور خارجه مصوب ۲۰ فروردین ۱۳۶۴، وزارت امور خارجه عهده‌دار اجرای سیاست خارجی است،^(۱۲۸) لیکن نقش این وزارتخانه به دو دلیل از صرف اجرا بالاتر می‌رود. اول آنکه در اکثر مراجع تصمیم‌گیر همچون شورای عالی امنیت

ملی و هیئت دولت، وزیر امور خارجه عضویت داشته و در مراجع دیگر مانند مجلس شورای اسلامی و یا مجمع تشخیص مصلحت موضوع با حضور نماینده‌ای از وزارت خارجه بحث و بررسی می‌گردد. دوم آنکه در برخی از اوقات حادثه‌پیش آمده به قدری سریع و غیر مترقبه است که نمایندگان و مرکز وزارت خارجه نمی‌توانند منتظر گردش کار در فضای بوروکراتیک تصمیم‌گیری سیاست خارجی گردند. در این گونه اوقات، وزیر امور خارجه رأساً تصمیم گرفته و سپس مراتب را به مقامات دیگر گزارش می‌دهد. از این گذشته، آنچه که در حوزه مسئولیت وزارت امور خارجه قرار دارد، امر کنترل، نظارت، ایجاد ارتباط و تأمین نمایندگیها و همچنین تهیه و جمع‌آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان و مجریان سیاست خارجی می‌باشد. در این ارتباط وظائف وزارت خارجه عبارت است از:

الف- توجه و مراقبت دائم درباره وقایع بین‌المللی و اوضاع داخلی کشورها و تهیه گزارش ب- بررسی، برقراری، حفظ و توسعه روابط خارجی دولت ایران با سایر دول و سازمانهای بین‌المللی

ج- انجام مذاکره و مکاتبات با دول خارجی و سازمانهای بین‌المللی
د- اداره مأموریت‌های سیاسی و کنسولی وزارت امور خارجه و نظارت بر نمایندگیهای دولت در خارج از کشور

ه- انجام و تأمین ارتباط بین ارگانهای مختلف دولت با دول خارجی. (۱۲۹)

۱۵- اجرای سیاست خارجی

پس از اتخاذ تصمیم، سیاستگذاران باید آن را به اجراء گذارند. اجرای سیاست خارجی تفاوت بسیاری با اجرای سیاست داخلی دارد. در سیاست داخلی، دولت توسط حاکمیت و کنترلی

که بر اتباع خود دارد، اجرای تصمیمات را تضمین می کند. لیکن در سیاست خارجی، هیچ دولتی بر دولت دیگر کنترل حاکمانه ندارد. نخستین مرحله برای اجرای سیاست خارجی، توضیح قانع کننده می باشد. کشورهایی که همکاری آنها برای اجرای تصمیمات ضروری است، باید قانع شوند که سیاست اتخاذ شده به

نفع آنها نیز هست. پس از بیان محتوای سیاست خارجی برای بازیگران ذیربط و یا رقیب، چانه زدن برای حصول نقطه نظر مشترک آغاز می شود. (۱۳۰) در حالی که چانه زنی ادامه دارد، بازیگری که خواهان اجرای سیاست معینی

است، می تواند از ابزارهایی برای وارد کردن دیگران بهره گیرد. ابزارها و تکنیکهای اجرای سیاست خارجی عبارت اند از:

- **ابزارهای سیاسی**، که عمدتاً از تلاشهای پرسنل ماهر تشکیل شده است. اینان می توانند در کشور هدف به گونه ای عمل کنند که فرآیند سیاسی آن را در جهت منافع کشور خویش هدایت کنند.

- **ابزارهای دیپلماتیک**، که از افراد با مهارتی که نماینده حکومت خود در کشورهای ذیربط هستند، تشکیل شده است. وظیفه آنان مذاکره و چانه زنی با کشورهای هدف به منظور دستیابی به توافق بر سر منافع ملی است.

- **ابزارهای اطلاع رسانی و ارتباطات** که وظیفه آنها برقراری ارتباط با افکار عمومی و رسانه های جمعی کشورهای هدف است.

- **ابزارهای اقتصادی** که عمدتاً در دست کشورهای غنی تر و پیشرفته تر است، یکی از معمولی ترین و کارآمدترین ابزارهای اجرایی سیاست خارجی است. هر چه کشور هدف، از لحاظ اقتصادی به کشور صاحب تصمیم وابسته تر باشد، ابزارهای اقتصادی تعیین کننده تر خواهند بود.

- **ابزارهای نظامی**، که به وسیله آن علیه کشور هدف، زور اعمال می شود تا به منافع صاحبان سیاست گردن گذارد. معمولاً ابزار نظامی پس از بی کفایتی و عدم کارایی سایر ابزارها مورد بهره برداری قرار می گیرد. (۱۳۱)

۱۶- پروسه تصمیم گیری در سیاست خارجی

ایران

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نتیجه تعامل پیچیده و چندسطحی مابین بازیگران حکومتی و غیردولتی است. این بازیگران هر کدام اهداف متفاوت و بعضاً متضاد را پی گیری می نمایند. اما به هر حال تاکنون پروسه

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران و خطوط کلی سیاست خارجی به قدر کافی روشن و شفاف بوده است. به صورت کلی دو دیدگاه راجع به سیاست خارجی ایران وجود دارد که ریشه در دیدگاه اسلامی و یا ایرانی دارد. هویت اسلامی و هویت ایرانی حاکمیت در دیدگاه این دو دسته از یکدیگر مجزاست.

فرجام

گروه اول هویت اصلی جمهوری اسلامی ایران را برخاسته از انقلاب اسلامی با هدف بازگشت به ارزشهای اسلامی می‌داند. در آستانه انقلاب اسلامی در ایران، لایه‌های اجتماعی جامعه ایرانی علی‌رغم نارضایتی وسیع مابین آنان، اما در زیر فشار فقر، سوء تغذیه، ناامنی و یا تنازعات قومی و نژادی نبودند. مردم برای آن به خیابان‌نهاریختند که احساس می‌نمودند که فرهنگ اسلامی توسط دولت ایران نادیده گرفته شده، سنتهای جامعه ایرانی به فراموشی سپرده شده و بی‌عدالتی در روابط بین‌المللی توسط حکومت ایران و به خصوص شاه، همکار آمریکا در منطقه تشدید می‌گردد. این دسته برای بقای نظام جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌نمایند که:

۱- حفظ توده‌های مسلمان در کشورهای اسلامی به عنوان متحدین ایمانی
 ۲- ایجاد روابط نزدیک با کشورهای اسلامی
 ۳- اجتناب از مذاکره با آمریکا به عنوان ابرقدرت مسئول تحقیر امت اسلامی.

گروه دوم بر این باورند که ایران یک ملت -

دولت مانند دیگر واحدهای سیاسی در جهان امروزی است و باید در صحنه بین‌المللی یک بازیگر عمده باشد. ژئوپلیتیک و موقعیت اقتصادی و انرژی ایران نیز بر اهمیت ایران تأکید می‌نماید. آنان عقیده دارند که تجارت بین‌المللی و ایجاد روابط سیاسی مهم‌ترین ابزار در جهان معاصر برای حفظ منافع ملی ایران است.

۱- این مقاله در پی آن بود که نشان دهد که چگونه جمهوری اسلامی ایران ابعاد متنوع یک حکومت اسلامی را با دموکراسی پارلمانی در آمیخته است. بسیاری از محققان بر دوگانه بودن نظام جمهوری اسلامی ایران پای فشرده‌اند، اما به نظر می‌رسد که در طراحی و تصمیم‌سازی سیاست خارجی، نوعی اجماع در میان تصمیم‌سازان وجود دارد. خصوصاً زمانی که تهدیدی متوجه کشور است، تصمیمات حکومت در مورد سیاست خارجی بیشتر به سمت حفظ منافع ملی میل می‌نماید.

۲- از دیدگاه نقادانه اگر به فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نگاه افکنیم، متوجه خواهیم شد که این فرآیند نسبتاً طولانی است و در مواقع بحرانی که کمبود زمان از مشخصات اصلی آن است، این پروسه ناکارآمد خواهد بود.

۳- سازگاری و یا عدم سازگاری اهداف سیاست خارجی با فضای حاکم بر صحنه محیط بین‌المللی

ضرورتاً از اهداف تعارضی ناشی نمی‌شود. گاه ممکن است که دیپلماسی ضعیف، محافظه‌کار و بدبینانه تصمیم‌گیران و یا مجریان موجب شود تا بسیاری از اهداف همگون و حتی غیرمتعارض بازیگران در صحنه محیطی به اجرا در نیاید.

۴- چون محیط عملیاتی و اجرایی سیاست خارجی فراتر از محیطی است که در آن تصمیم اتخاذ می‌شود، طبیعی است که درصدی از اهداف سیاست خارجی در صحنه عملیاتی بین‌المللی عقیم و انجام نشده باقی بماند.

پانوشت‌ها

۱- آلیسون، گراهام، شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی: تفسیری بر بحران موشکی کوبا، ترجمه منوچهر شجاعی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.

2- Dale, Ernest; **Management: Theory and Practice**; (4th Ed), London: McGraw-Hill, pp.417-8,1988.

۳- سعادت، اسفندیار، «انسان عقلایی یا انسان خودیاب»، دانش مدیریت، شماره ۶ و ۷، ۱۳۶۸، صص. ۱۱۰-۱۲۷.

4- Simon, Herbert A.; **The new Science of Management Decision**; New York: Harper and Row, 1960.

5- Davis, Gordon B. & Margrethe H. Olson; **Management Information Systems: Conceptual Foundations, Structure, and Development**; 2nd Ed. New York: McGraw-Hill, 1984, p. 170.

۶- سعادت، اسفندیار، همان، ص. ۱۱۴.

7- Self Actualization

۸- سعادت همان، ص ۱۱۵.

9- Cognitive Dissonance

10- Commitment Theory

11- Theory of Anticipatory Regret

12- Davis, P. 170, (1985).

Staw, B.M; "The Escalation of Commitment to a Course of Action", **Academy of Management Review** oct. 1981, pp. 557-87

۵- ارزیابی سیاست خارجی در واقع به معنای تعیین خوب و یا بد بودن آن است. به عبارت دیگر، مسئله ارزیابی در درجه اول به ارزشها باز می‌گردد. ارزیابی مبتنی بر این نگرش، هر تصمیمی را که در شرایط فعلی بتواند اهداف سیستم سیاسی را تأمین کند، خوب و گرنه آن را بد می‌داند. به دیگر سخن، بهترین تصمیم آن است که با در نظر گرفتن موقعیت و لحاظ کردن امکانات و تواناییهای بازیگران، با هزینه‌ای معقول بتواند هدف سیستم سیاست خارجی را تأمین کند. (۱۳۲)

۶- برای یک ارزیابی کارآمد، تحلیلگر سیاست خارجی، باید اطلاعات لازم و کافی نسبت به آرمانها و اهداف تصمیم‌گیرندگان، افراد و نهادهای دست‌اندرکار تصمیم، سازمان تصمیم‌گیری و مدل به کار گرفته شده در فرآیند سیاستگذاری را در اختیار داشته باشد.

۷- آنچه اهمیت دارد آن است که در ساختار

- 30- Process
- 31- Holsti, Ole R. & "Foreign Policy decision-makers viewed Psychologically: Cognitive Process approaches", In J.N. Rosenau (ed), **In Search of Global Patterns**. New York: Free Press, 1976.
- 32- Simon, Herbert A.; "Human nature in Politics: The dialogue of psychology with political science", **American Political Science Review**, Vol. 79, pp. 293-305, 1985.
- 33- Y. Y. I. Vertzberger; **The World in Their Mind: Information processing, Cognition, and Perception in Foreign Policy**; Stanford: Stanford University Press, 1990.
- 34- Rational Model.
- 35- J. Von Neumann, & O. Morgenstern; **The Theory of Games and Economic Behavior**; New York: John Wiley, 1994.
- 36- Organizational Process
- 37- Government Bargaining
- 38- Bureaucratic Political
- 39- Graham T.Allison;"Conceptual Models and the Cuban Missile Crises"; **The American Political Science Review**. Vo. LXIII, No.3, pp.689-718, (September 1969).
- 40- Herbert Simon; "Theories of Decision making in Economics and Behavioral Science"; **American Economic Review**; 49, pp.253-283, (1959).
- 41- Poliheurism
- 42- Alex Mintz & Nehemia; "The Poliheuristic Theory of Foreign Policy Decision making"; in A. Mintz & N. Geva(eds); **Decision making on War and Peace: The Cognitive-Rational Debate**; London: Lynne Rienner, p.81, 1997.
- 43- Rational Choice
- 44- Cognitive Psychology
- 45- Alex Mintz, **Integrating Cognitive and Rational Theories of Foreign Policy Decision Making**; New York, Palgrave,
- 13- Festinger, Leon; **A Theory of Cognitive Dissonance**; Evanston, IL: Row & Peterson, 1957.
- 14- Davis, p.171. (1985),
- 15- Gould, F. G., G.D.Eppen, & C. P. Schmidt; **Introductory Management Science**; New York: Prentice Hall, pp. 30-93. 1987.
- 16- Davis, p.171,(1985).
- 17- Lindblom, Chrls. E.I; "The Science of Muddling Through"; **Public Administration Review**; 19,2, pp.79-88. 1959.
- ۱۸- سعادت، اسفندیار، فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان، تهران: دانشگاه تهران، صص ۸۲-۸۷، ۱۳۷۲.
- ۱۹- سعادت، ص ۸۶، (۱۳۷۲).
- 20- Etzioni, Amitai; "Humble Decision Making"; **Harvard Business Review on Decision Making**; Boston: Harvard Business School Publishing Corporation, pp. 45-58, 2001.
- 21- Etzioni, Amitai; "Mixed Scanning: a Third Approach to Decision Making", **Public Administration Review**, 27 pp. 385-392, 1967.
- ۲۲- باقریان، محمد، تصمیم‌گیری حکیمانه، رویکردی جدید به الگوسازی در مدیریت، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص. ۷۷، ۱۳۸۰.
- 23- Davis, p. 173-4. (1985).
- 24- Janis, Irving L. & Leon Mann; **Decision Making: a Psychological Analysis of Conflict, Choice and Commitment**; New York: Free Press, p.11, 1977.
- 25- Coping Patterns
- 26- Sylvan, Donald A. & James F. Voss; **Problem representation in Foreign Policy Decision Making**; Cambridge: Cambridge University Press, p.4, 1988.
- 27- Sylvan, p.4 (1998).
- 28- Role
- 29- Hermann, Margaret; **A Psychological Examination of Political Leaders**; New York: Free Press, 1977.

- 67- White, Leslie; **Science of Culture**; Ann Arbor: Michigan University Press, 1948.
- 68- Mintz, A., N. Geva, S.B.Redd, and A. Carnes; "The Effect of Dynamic & Static Choice Sets on Decision Strategy: An Analysis Utilizing the America Decision Board Platform"; **American Political Science Review**; 91 (September 1995).
- 69- Chaos and Complexity Theory
- 70- Gould, pp.709-10, 1987.
- ۷۱- آریان پور، منوچهر، فرهنگ گسترده پیشرو آریان پور انگلیسی - فارسی، تهران: جهان رایانه، ص. ۱۰۵۷ و ۱۳۷۸.
- 72- Wilson, Graham; **Problem Solving and Decision Making**; London: Kogan Page, pp.58-61, 1993.
- 73- Render, Barry & Ralph Stair, Jr.; **Introduction to Management Science**; Boston: Allyn and Bacon, pp. 130-5, 1992.
- 74- Render (1992), Ch.6.
- 75- Combinatorial Optimization
- 76- Gould, pp. 710-1, (1987).
- 77- Goal Programming
- 78- Gould, p.711, (1987).
- 79- Kroenke, David; **Management Information Systems**; New York: McGraw-Hill, p.160, 1992.
- ۸۰- این ترجمه‌ای است از این فراز
People make do (decisions) and muddle through. Kroenke, p. 159, (1992).
- ۸۱- سعادت، ۸۷۳/۲۰
- 82- Rules of thumb rather than explicit decision rules
- 83- Davis, p.170, (1985).
- 84- O'Reilly, Charles A. , III; "The Use of Information in Organization Decis Making", **Research in Organizational Behavior**; Vol. 5, p. 108-9, 1983.
- 85- Wolfe, James H. & Theodore Couloumis; **Introduction to International Relations: Power and Justice**; New Jersey: Prentice-Hall, p.430, 1990.
- 86- Cecil, V. Crabb, Jr.; **American** 2002.
- 46- Holistic Search
- ۴۷- تأثیرات چارچوب (Framing Effects)، ناظر به چگونگی تعریف نمودن مسئله است که مایل به تصمیم‌گیری راجع به آن هستیم. زیرا در زمان انتخاب راه‌حل، نیاز به مطلوب تعریف نمودن مسئله روشن می‌شود.
- 48- Mintz, p.1, 1997.
- 49- Beach, L.R. & T.R.Mitchell; "A Contingency Model for the Selection of Decision Strategies", **Academy of Management Review**, 3, p.441, 1997.
- 50- Formalist Economics
- 51- Substantive Economics
- 52- Singer E. & V. Hudson; **Political Psychology and Foreign Policy**; Boulder: Westview Press, 1992.
- 53- Holistic Search
- 54- Simon Herbert; **Models of Man**; New York: John Wiley, 1957.
- 55- Bounded Rationality
- 56- Morrow, James D.; "Rational Choice Approach to International Conflict"; in Mintz, Alex & Geva Nehemia (eds); **Decision making on war and Peace**; London: Lynne Rienner, p.p.17-8, 1997.
- 57- Prospect Theory
- 58- Destructionism
- 59- Amitai Etzioni
- 60- James Coleman
- 61- Brumfiel, Elizabeth B. & John w.Fox(eds); **Factional Competition and Political Development in the New World**; New York: Cambridge University Press, 1993.
- 62- Functionalist Sociology
- 63- Mintz, p.3, (1997).
- 64- Brumfield (1993), p.87.
- 65- Sylvan, D.A. & J.F.Voss; **Problem Representation in Foreign Policy Decision Making**; Cambridge: Cambridge University Press, p.4, 1998.
- 66- Culturalogical Nomothetic

108- Kaveh, L.Afrasiabi; **After Khomeini**; New York: West View Press, pp. 34-36, 1994.

۱۰۹- ملکی، عباس، «سیاست خارجی ایران»، مجله ایتالیایی مارکوپولو، ناپل: انستیتو روابط بین الملل ایتالیا، صص ۲۱-۲۵، ۱۹۹۷.

۱۱۰- محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابهای فرانسه و روسیه، تهران: مؤلف، صص. ۸۲، ۱۳۷۴.

۱۱۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۲

۱۱۲- اصل ۲ بند ج

۱۱۳- اصل ۲

۱۱۴- اصل ۳

۱۱۵- اصل ۳

۱۱۶- اصل ۱۵۲

۱۱۷- اصل ۲ بند ج

۱۱۸- اصل ۲ بند ج

۱۱۹- اصل ۱۵۲

۱۲۰- اصل ۳ بند ۵

۱۲۱- اصل ۳ بند ۵

۱۲۲- اصل ۳ بند ۱۱

۱۲۳- اصل ۴۳ بند ۸

۱۲۴- اصل ۱۵۳

۱۲۵- متولی، ذکریا، چگونگی افزایش کارایی سیاست خارجی، تهران: پایان نامه، صص ۱۱۶-۱۲۰

۱۲۶- ایزدی، بیژن، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز انتشارات حوزه علمیه قم، صص، ۱۰۷-۱۳۰، ۱۳۷۱.

۱۲۷- نیرآبادی، حمید، ساختار رسمی تصمیم گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، صص. ۱۷۴، ۱۳۷۵.

۱۲۸- وزارت امور خارجه، سیاستگذاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، صص. ۱۵۳، ۱۳۶۹.

۱۲۹- محمدی، منوچهر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل، تهران: نشر دادگستر، صص. ۹۵-۹۸، ۱۳۷۷.

۱۳۰- مقتدر، هوشنگ، مباحثی درباره سیاست بین المللی و سیاست خارجی، تهران: دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی، صص. ۱۷۳-۱۷۷، ۱۳۵۸.

۱۳۱- خوشوقت، محمد حسین، تجزیه و تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، صص. ۲۶۶-۲۶۸، ۱۳۷۵.

132- Etzioni, Amitai; **The Active Society**; New York: The Free Press, 1968.

Foreign Policy in the Nuclear Age; New York: Harper & Row, p. 1, 1972.

۸۷- مورگنتا، هانس، سیاست میان ملتها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: مؤسسه و چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، صص. ۱۹۷.

88- National Character

89- National Morale

۹۰- مورگنتا (۱۳۷۴)، صص ۲۴۶.

۹۱- آلیسن، گراهام، شیوه های تصمیم گیری در سیاست خارجی: تفسیری بر بحران موشکی کوبا، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صص. ۲۶۶-۲۸۷، ۱۳۶۴.

۹۲- ذوقی، ایرج، «عوامل مؤثر بر سیاست خارجی ایران»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال اول، شماره ۱، صص. ۱۰۶، ۱۳۷۸.

93- Rosenau, James; **The Scientific Study of Foreign Policy**; New York: Free Press, pp. 95-150, 1971.

94- Programmatic

95- Cecil, pp. 114-23, (1972).

96- Stage Dimension

97- Basic Decision

98- Sequential Decision

99- Initiative Decisions

100- Response Decisions

۱۰۱- خوشوقت صص. ۲۶۱-۲۶۳، (۱۳۷۵).

۱۰۲- در ۲۵ اسفند ماه ۱۳۸۱، آیت الله خامنه ای، رهبر انقلاب، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره جدید را منصوب نمودند.

103- <http://www.irna.com/en/head/020316230512.ehe.shtml>

104- Nation- States

۱۰۵- ولایتی، علی اکبر، «سخن نخست»، مجله سیاست خارجی، شماره ۱، ۱۳۶۵، صص. ۳، ۴۰۸.

۱۰۶- ملکی، عباس، «ایده آلیسم و رئالیسم»، مجله سیاست خارجی، شماره ۳، تابستان ۱۳۶۶.

107- Roshandel, Jalil; "Iran's Foreign and Security Policies: How the Decision Making Process Evolved"; **Security Dialogue**; London: Sage Publications, 31 (1), March, p.219, 2002.